

ارزیابی روشمند متون ترجمه شده از عربی به فارسی

عبدالحسین فقهی^۱
حافظ نصیری^۲

چکیده

ارزیابی حلقه رابط تئوری و عمل ترجمه است. نکته گوئی‌ها و کلی گوئی‌ها در این عرصه بسیار است. حتی در مدل‌های مختلف ارزیابی، معیارهایی که برای ترجمه خوب و ارزیابی ذکر شده، گاه بسیار کلی بوده، از همین رو راه را برای اعمال سلیقه باز گذاشته‌اند. این مشکل در خصوص متون ترجمه شده از عربی به فارسی و بالعکس که از نظر مباحث تئوری ضعف دارد، حادثتر است. تلاش ما در این مقاله آن است که معیارهایی دقیق‌تر و جزئی‌نگر بر اساس اصول علمی برای ارزیابی متون ترجمه شده از عربی به فارسی شناسایی کنیم تا هم مترجمان بتوانند با استناد به این اصول از عملکرد خود دفاع کنند و هم ارزیابان در نظرات خود نسبت به متون ترجمه شده از اعمال سلیقه برکنار باشند. براساس مدل پیشنهاد شده در این مقاله می‌توان درباره متون ترجمه شده از عربی به فارسی قضاوتی نسبتاً دقیق و علمی داشت و نتیجه ارزیابی را با استفاده از توصیف‌های کیفی به سمت توصیف‌های کمی پیش برد. در این مدل کار ارزیابی در دو سطح عوامل «هدایتگر» و

۱. استادیار دانشگاه تهران afegghi@ut.ac.ir

۲. مدرس دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

تاریخ تصویب: ۸۹/۳/۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۲۳

«درون‌متنی» انجام می‌پذیرد و بر این اساس می‌توان برکنار از دخالت سلیقه و نظرات شخصی، متن ترجمه شده‌ای را ارزیابی کرد.
واژه‌های کلیدی: ترجمه، ارزیابی ترجمه، اصول ارزیابی، زبان عربی.

۱. مقدمه

مطالعات ترجمه و بویژه قواعد ارزیابی ترجمه هنوز در مراحل ابتدایی علمی شدن قرار دارد و موفقیت‌های چشمگیر و قاطعی در این زمینه حاصل نشده است. وجود نظرات مختلف در خصوص فرایند ترجمه اشاره به این حقیقت دارد که این فرایند تابع یک سری قوانین و قواعد غیرقابل انعطاف و حتمی نیست. از این رو بدون توجه به متغیرهای متعددی که هر بار با درجات مختلفی ظاهر می‌شوند، ارزیابی کیفیت ترجمه هم ممکن نیست. البته در میان این متغیرها تعداد قابل توجهی متغیر کلی و تکرارپذیر وجود دارد که با شناسایی درست و در نظر داشتن آن‌ها می‌توان به ارزیابی نسبی ترجمه‌ها پرداخت. در روشی که این مقاله پیشنهاد می‌کند، بر این متغیرهای کلی و تکرارپذیر تکیه می‌شود. البته استخراج این متغیرها با مقابله و بررسی ترجمه‌های مختلف با متون اصلی آن صورت گرفته و به منظور مستندسازی متغیرهای ذکر شده، سعی شده است با بررسی سه کتاب مختلف، شواهدی ارائه گردد. این کتاب‌ها با توجه به موضوعات مختلف هر یک در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و با در نظر گرفتن ترجمه سه مترجم مجزا انتخاب شده است.^۱

۱. این کتابها عبارتند از: ۱- التنمية في الإسلام، مفاهيم، مناهج و تطبيقات، طهران، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع، ۱۴۱۶ق، نگارش: ابراهيم العسل، ترجمه عباس عرب (توسعه در اسلام؛ مفاهيم، روشها و چند نمونه تطبيقي، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوي، شرکت به‌نشر ۱۳۷۸). ۲- المثقفون العرب و الغرب؛ عصر النهضة ۱۹۱۴-۱۸۷۷، بيروت، دارالنهار، ۱۹۹۱، نگارش: هشام بشير شرابي، ترجمه عبدالرحمان عالم (روشنفکران عرب و غرب؛ سالهای تکوین ۱۸۷۷-۱۹۱۴، وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي، تهران ۱۳۶۸). ۳- المفاوضات السرية بين العرب و اسرائيل، المجلد الاول: الاسطورة و الامبراطورية و الدولة اليهودية، قاهره، دارالشروق، ۱۹۹۶، نوشته محمدحسین هیکل، ترجمه عبدالصاحب سعیدی (گفتگوهای سری میان اعراب و اسرائيل (اسطوره، امپراتوری و دولت یهود)، تهران، همشهری، ۱۳۷۸).

۲. نظرها و دیدگاهها

درباره ارزیابی، ارزش‌گذاری، و تعیین کیفیت و دقت ترجمه نظرات مختلفی وجود دارد؛ به اعتقاد نیلا^۱ سه معیار وجود دارد که به عنوان هدایتگر اصلی در امر ارزیابی ترجمه نقش ایفا می‌کند. این سه معیار عبارتند از: پویایی کلی در فرایند ارتباط، فهم مقصود و برابر بودن پاسخها (الدیداوی ۲۰۰۰: ۹۹). پیتر نیومارک^۲ در این زمینه به «نقد ترجمه»^۱ اشاره می‌کند و آن را مستلزم هوش، تخیل و استعداد ذاتی می‌داند (نیومارک ۱۹۸۴: ۱۸۲)؛ به اعتقاد وی «نقد ترجمه» یک پیوند ضروری میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه است (همان: ۱۸۴). وی یک فصل از کتاب «فنون پیشرفته ترجمه» را به بحث درباره نقد ترجمه اختصاص داده و در آن پنج محور یا جستار مطرح کرده است که عبارتند از: تحلیل مختصر متن مبدأ، تفسیر مترجم از هدف متن زبان مبدأ، روش و خواننده احتمالی ترجمه، مقایسه بخش‌های انتخابی از متن اصلی به روش بازنمودگر و تفصیلی، بررسی ترجمه از دید مترجم و منتقد، ارزیابی موقعیت ترجمه در فرهنگ یا قلمرو زبان مقصد در صورت نیاز (نیومارک ۱۳۸۶: ۲۴۱). کاتارینا رایس، با توسل به معیارهایی مانند روان بودن، معادل در سطح کلمه و غلط معنایی به دنبال معادل کامل^۲ در ترجمه است (فرحزاد ۱۳۸۲: ۳۰).

به اعتقاد ساگر، ارزیابی بر دو نوع کلی و جزئی است؛ ارزیابی جزئی به بهبود کیفیت ترجمه و ارزیابی کلی به ارزشیابی نتایج ترجمه می‌پردازد. از نظر وی، برخی محورهای مهم ارزیابی عبارتند از: میزان تناسب و سازگاری، میزان امانت، میزان هزینه ترجمه در مقایسه با ترجمه‌های دیگر، فهم ترجمه در برابر فهم اثر اصلی، و میزان مشارکت ترجمه در پشته‌ها اصطلاحی. وی برای ارزیابی چهار سطح در نظر می‌گیرد که عبارتند از: سطح کارکرد مترجم، سطح ترجمه، سطح اداری و پشتیبانی، و سطح سیستمی (ابزار و تجهیزات استفاده شده در ترجمه) (الدیداوی ۲۰۰۰: ۱۰۰). لاروز، ارزیابی را بر اساس میزان تناسب میان هدف مترجم و مولف ذکر می‌کند؛ اما ایشتاین معتقد است که ارزیابی بر سه پایه کیفیت، زمان و پویایی استوار است؛ زیرا

1. translation criticism

2. full equivalence

چالش موجود این است که در چهارچوب این اجزای سه گانه، با توجه به نیازها و اولویت‌ها توازن حفظ گردد (همان: ۱۰۰).

گارسس، برای ارزیابی ترجمه، چهارسطح پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: سطح معنایی - لغوی، سطح نحوی - صرفی، سطح گفتمانی - کاربردی و سطح سبکی - مقصودشناسی. وی با برشمردن مواردی برای هر یک سعی دارد اطلاعاتی درباره تنگناها و امکانات مترجمان به دست دهد تا ارزیابی ترجمه با کیفیت بهتری صورت گیرد (گارسس ۱۹۹۴: ۸۰-۸۵). نوام چامسکی، زبان‌شناس مشهور امریکایی، هم در زمینه ارزیابی ترجمه، رساله‌ای با عنوان "تحلیل گشتاری" تألیف کرده است. از دیگر محققانی که در زمینه ارزیابی و نقد ترجمه نظریه‌پردازی کرده‌اند، می‌توان به مونا بیکر^۲، سوزان بسنت^۳، و جولیان هاوس^۴ اشاره کرد (مهدی برزی ۲۰۰۷).

از جمله مدل‌های مهمی که برای ارزیابی ترجمه وجود دارد، می‌توان به مدل‌های دادز، پسا ساختارگرایی^۵، توری و ویلیکوسکی^۶ اشاره کرد. در مدل دادز، ارزیابی ترجمه بر تحلیل استوار است. در این مدل، منتقد ترجمه یک تحلیلگر متن است که تحلیل سه بعدیش باید زبان متن مبدأ، مقصد و مقایسه این دو را دربرگیرد. مدل توری نیز به معیارهایی از ارزیابی ترجمه اشاره می‌کند که فقط بر فرهنگ و زبان مقصد متمرکز است. مدل مکتب پسا ساختارگرایی بیشتر به نقش مترجم می‌پردازد و موفقیت یا ناکامی مترجم را مورد توجه قرار می‌دهد (مایر ۱۳۷۸: ۸۰-۸۲). از سوی دیگر در سازمان ملل متحد، ارزیابی و ارزشیابی، عملاً پیش از تعیین مترجم صورت می‌پذیرد. صدها مترجم با شرکت در یک رقابت بین‌المللی خود را برای مترجمی در این سازمان نامزد می‌کنند و انتخاب بهترین‌ها در ابتدای کار صورت می‌گیرد. البته ارزیابی به صورت روزانه و با هدف حفظ کیفیت ترجمه به عنوان اساس کار به صورت مستمر ادامه می‌یابد (الدیداوی ۲۰۰۰: ۹۸). اسناد راهنمای صادر شده در سازمان ملل، خصوصیات زیر را برای ترجمه ضروری دانسته‌اند:

1. Transformational Analysis
2. Mona Baker
3. Susn Bassnett
4. Juliana House
5. post-structuralism
6. Vilikovsky

امانت، روشنی مفهوم، پیچیده نبودن، ایجاز، کاربرد اصطلاحی، کاربرد درست زبان، سازگاری، موفقیت اصطلاحات علمی جدید و همخوانی اصطلاحات (همان: ۱۰۴).

دفتر ترجمه فدرال کانادا نیز سیستم مفصلی برای ارزیابی کیفیت ترجمه در نظر گرفته است که "سیکال" نام دارد. این سیستم بر سه پایه زیر استوار است: تقسیم متن به واحدهای ترجمه‌ای در زبان مبدأ، استخراج و دسته بندی نقاط ضعف و قوت متن ترجمه، و ارزشیابی درجه پیچیدگی متن اصلی. در این سیستم ارزیابی ۱۹ پارامتر مختلف در نظر گرفته می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انتقال درست معنی، اصطلاحات تخصصی و علائم اختصاری، تأثیرگذاری سبکی، افزایش و کاهش در ترجمه، و ظرافت‌های معنایی (همان: ۱۰۵). به طور کلی این سیستم، عملاً به ترجمه و فرایند آن نزدیک‌تر و از این لحاظ دقیق‌تر است. البته، این سیستم در طول مراحل تحول خود سه نوع ۱، ۲ و ۳ را تجربه کرده است. بر اساس نوع ۱، برای ارزشیابی ترجمه معیارهای محض لغوی در نظر گرفته می‌شد، اما نوع ۲ ترجمه را بر اساس حروف الفبا درجه‌بندی می‌کرد. برای این منظور ترجمه نوع "الف و ب" ترجمه‌ای است که نتوان در آن غلط فاحشی یافت و تعداد اشتباهات جزئی هم بین صفر تا چهار باشد. ترجمه نوع "ج" ترجمه‌ای است که حداکثر چهار غلط فاحش و ۲۰ اشتباه جزئی داشته باشد که باید مورد بازنگری قرار گیرد. در نوع ۳، پیش از آنکه ترجمه‌ای در دسترس خواننده قرار گیرد، توسط یک ناظر یا ویرایشگر فنی (کیفی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین با روآوردن به سیستم ارزیابی نوع ۳، مشتری و خواننده مورد توجه بوده و کار ارزیابی در سه سطح مورد تأکید قرار گرفت: در سطح اول کیفیت زبانی و نوع اشتباهات ترجمه، در سطح دوم قضاوت درباره صلاحیت متن ترجمه شده برای توزیع و انتشار، و در سطح سوم میزان رضایت‌مندی مشتری یا خوانندگان و نظرسنجی از آنان. در این نوع ارزیابی، شیوه کار به ترتیب زیر است: ترجمه نوع "الف" متنی است که غلط فاحش نداشته و تعداد اشتباهات جزئی آن بین صفر تا شش باشد. ترجمه نوع "ب" بدون غلط فاحش بوده، تعداد اشتباهات جزئی آن بین ۶ تا ۱۲ باشد. ترجمه نوع "ج" حداکثر یک غلط فاحش داشته و اشتباهات جزئی آن بین ۱۳ تا ۱۸ باشد (همان: ۱۹۱-۱۹۲). بر اساس معیارهای در نظر گرفته شده، موارد زیر غلط فاحش به حساب می‌آید: ۱. یک عنصر مهم بلاغی در ترجمه منتقل نشود یا به صورت

نادرست برگردانده شود؛ ۲. برگردان اصطلاح یا بخشی از عبارت، به گونه‌ای که توجه خواننده به آن ممکن نباشد؛ ۳. حذف یک یا چند سطر و یا یک پاراگراف به طور کامل، با در نظر گرفتن اهمیت بخش حذف شده؛ ۴. وقوع اشتباه آشکار دستوری یا زبانی - کاربردی (همان: ۱۹۲). به طوری که ملاحظه می‌شود، این سیستم ارزیابی با وجود اهمیت، دقت و کاربردی بودن، به مسأله اشتباهات به طور کلی پرداخته و دقیقاً آن‌ها را مشخص نکرده است. طبیعی است که بحث بر سر هر یک از موارد فوق الذکر می‌تواند ادامه داشته باشد، زیرا معیار کاملاً دقیق و تمام‌کننده‌ای برای آن‌ها ذکر نشده است و همین امر عاملی است که ادامه مشکلات و اختلاف نظرها را در مسأله ارزیابی و تعیین کیفیت ترجمه ممکن می‌سازد.

البته نباید از این نکته غافل ماند که بحث‌های پیشگفته عمدتاً در خصوص ارزیابی ترجمه از زبان‌های اروپایی به یکدیگر است. در کشور ما نیز درباره ارزیابی ترجمه جز چند مقاله ترجمه شده و نمونه‌های ارزیابی شده (بدون استخراج قواعدی برای ارزیابی و تنها با ذکر توضیحات کلی) تلاش دیگری صورت نگرفته است که البته همین مقدار هم درباره ترجمه از زبان‌های اروپایی مانند انگلیسی و فرانسه به فارسی است.

۳. روش پیشنهادی مقاله

در روش پیشنهادی این مقاله برای ارزیابی ترجمه‌های صورت گرفته از عربی به فارسی، دو دسته از عوامل را باید در نظر داشت و ترجمه را با استفاده از آن معیارها و یا از آن جهات بررسی نمود. گروه اول را عوامل «هدایتگر» و گروه دوم را عوامل «درون‌متنی» می‌نامیم که در سطرهای بعدی به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت.

در این روش، ضمن در نظر داشتن عوامل هدایتگر در تمام مراحل کار، ارزیابی ابتدا با بررسی واژگان آغاز می‌شود. با این کار ارزیاب به کشف مفهوم موجود در درون واژگان می‌پردازد و در سطح ترکیب‌ها به کنترل و تصحیح یافته‌ها ادامه داده، در سطح جملات قالب مناسب بیان مفهوم را کشف و در نهایت، مفهوم و شکل تعبیر را در بافت متن کنترل می‌کند. ما به صورت قراردادی در سطح واژگان، از اصطلاح «معادل‌یابی» و در سطح ترکیب‌ها و جملات از

«برابریابی» استفاده می‌کنیم. عدم معادل‌یابی یا برابریابی درست، در نهایت به فرایند ارتباط درست و رعایت امانت در ترجمه، لطمه وارد می‌سازد. بنابراین، با وجود شدت و ضعف اشتباهات در معادل‌یابی‌ها یا برابریابی‌ها، هر اقدام اشتباهی که به نادرستی معادل‌یابی یا برابریابی منجر شود، یک خطا در نظر گرفته می‌شود. طبیعی است که اشتباه در معادل‌یابی، در مفهوم حاصل از جمله (برابریابی) اثرگذار است و فرایند ارتباط را دچار اختلال می‌سازد. از این رو، این تقسیم‌بندی تنها در جهت تنظیم فرایندی برای سهولت ارزیابی و تعیین عناصر اساسی آن در سه سطح «واژگان»، ترکیب‌ها و جملات» است و در فرایند قضاوت درباره ترجمه اثر تنظیمی دارد و به معنی درجه‌بندی اشتباهات یا خطاهای مترجم نیست. قضاوت کلی در قالب فرمول‌هایی صورت می‌گیرد که برای سنجش کیفیت کار پیشنهاد خواهد شد.

به هنگام انجام ارزیابی، طبیعی است که نمی‌توان تمام آثار ترجمه را به طور کامل و صفحه به صفحه با متن اصلی مقابله نمود؛ زیرا این کار مستلزم صرف وقت بسیار و هزینه هنگفت است. بنابراین بهتر است از بخش‌های مختلف ترجمه، تعدادی مشخص از صفحات مورد ارزیابی قرار گیرد. بدین معنی که فرد یا نهاد مسئول یا کارفرمای ترجمه، از هر فصل یا بخش، چند صفحه را به صورت تصادفی انتخاب و همراه با متن اصلی در اختیار ارزیاب قرار دهد. به طور کلی، تعداد صفحات هر بخش باید به اندازه‌ای باشد که بتوان درباره ترجمه از منظر مفهوم و اشکال بیانی و پیوستگی یا آشفتگی بیان به اظهار نظر پرداخت. ما تقسیم هر اثر ۲۰۰ صفحه‌ای به ۳ بخش و انتخاب ۵ صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای از هر بخش را پیشنهاد می‌کنیم؛ یعنی حداقل تعداد صفحات برای ارزیابی یک اثر ۲۰۰ صفحه‌ای باید شامل ۱۵ صفحه باشد. این پیشنهاد با توجه به ارزیابی‌های متعدد در عرصه عمل و در نظر گرفتن صرفه اقتصادی کار ارزیابی برای کارفرمای ترجمه، طرح می‌شود. البته درباره ارزیابی مقالات این تعداد صفحه برای ارزیابی منطقی و مقرون به صرفه نیست. بنابراین می‌توان برای مقالات تنها ۵ صفحه انتخاب و به دست ارزیاب سپرد. از سوی دیگر می‌توان به جای یک ارزیاب، دو یا سه ارزیاب نیز انتخاب کرد و برای هر کدام از آنان صفحات جداگانه‌ای از ۳ بخش یادشده انتخاب کرد. در این صورت قضاوت نهایی با کارفرما یا یک

کارشناس هماهنگ کننده خواهد بود تا با توجه به نتایج ارزیابی ارزیابان، به جمع‌بندی نتایج بدست آمده از ارزیابی‌ها پردازد.

۴. گزینه‌های داوری

گرچه درباره کیفیت ترجمه و چگونگی ارزیابی آن نمی‌توان با اطمینان مقادیر کمی را ذکر نمود، با عنایت به متن ترجمه شده و عناصر و عواملی که در چهارچوب این مقاله بیان می‌گردد، می‌توانیم نسبت به اثر ترجمه قضاوتی نسبتاً علمی داشته باشیم و این قضاوت را با استفاده از توصیف‌های کیفی به سمت اعداد و ارقام پیش ببریم. گزینه‌های قابل طرح برای نتیجه ارزیابی را با توجه به عدد به دست آمده از فرمول‌های سنجش پیشنهادی در دو سطح عوامل هدایتگر، و عوامل درون‌متنی می‌توان در پنج سطح در نظر گرفت:

- **درجه یک (بسیار خوب):** ۱۵/ تا کمتر
- **درجه دو (خوب):** ۱۵/ تا ۷۵/.
- **درجه سه (متوسط):** ۷۵/ تا ۱
- **درجه چهار (غیررضایت بخش):** بین ۱ تا ۲
- **درجه پنج (غیرقابل قبول):** بیشتر از ۲

قابل ذکر است که اعداد تعیین شده برای قضاوت درباره کیفیت ترجمه، با توجه به سطح عمومی ترجمه‌های موجود و با دقت در نمونه‌های مختلف ارزیابی شده تعیین گردیده است. بنابراین امکان بالاتر بردن این درصدها یا کاستن از میزان آن، با توجه به نیاز یا سطح کار سازمان‌ها یا ناشرین یا مراکز ترجمه و ... وجود دارد.

۵. بررسی عناصر اساسی ارزیابی در روش پیشنهادی

به طوری که پیشتر نیز اشاره شد، می‌توان عناصر اساسی ارزیابی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی را در دو سطح «عوامل هدایتگر» و «عوامل درون‌متنی» دسته‌بندی کرد. اکنون به بررسی این عناصر در دو سطح یادشده می‌پردازیم:

۵-۱. عوامل هدایتگر

این عوامل را از آن رو هدایتگر می‌نامیم که در تمامی مراحل ترجمه اثرگذار هستند و اقدامات مترجم را در سطح عناصر درون‌متنی جهت می‌بخشند. در سطح عوامل هدایتگر، تمام عناصر باید به طور مجزا حداقل نمره "متوسط" را در عملکرد مترجم کسب نمایند. با این حال می‌توان کار ارزیابی را در دو سطح "عوامل هدایتگر" و "عوامل درون‌متنی" به پایان برد و نتیجه‌های به دست آمده در دو سطح را در کنار یکدیگر قرار داد و به جمع‌بندی پرداخت؛ زیرا این عوامل کاملاً از هم مجزا نیستند. نمره متوسط یعنی حداکثر یک اشتباه در هر صفحه ارزیابی شده، طبق فرمول زیر:

تعداد انحراف از عامل

تعداد صفحات ارزیابی شده

فرمول ۱

پس لازم است اشتباهات مترجم در این سطوح به طور جداگانه مورد شمارش قرار گیرد و نتیجه در جدول خاصی که به همین منظور با استفاده از گزینه‌های داوری برای هر یک از عوامل هدایتگر در نظر گرفته می‌شود، ثبت گردد. در سطح عوامل هدایتگر، عناصر زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۵-۱-۱. سبک متن

رعایت سبک در ترجمه به انتخاب معادل صحیح واژگان و بافت‌های دستوری جملات در زبان مقصد وابسته است. متون مختلف خبری، علمی، تخصصی، محاوره‌ای، ادبی و...، هر یک سبک خاص خود را دارا می‌باشند. به طور کلی، در بررسی میزان موفقیت ترجمه در انعکاس سبک متن اصلی، موارد زیر قابل بررسی و دقت نظر است:

• تغییر سبک از نوشتاری به گفتاری

نوشتار و گفتار دو مقوله مجزا هستند که هر یک سبک بیانی خاصی طلب می‌کنند. در این بین، برخی از کلمات نقش کلیدی در عبارت‌های به کار رفته ایفا می‌کنند. به عنوان نمونه، یکی از مترجمان در ترجمه خود در برخی صفحات از جمله «چی را ترجمه کنیم» استفاده کرده است که این تعبیر عامیانه و محاوره‌ای است و مناسب متن مبدأ نمی‌باشد (هاشمی ۱۳۷۶: ۸۱). گاهی هم تغییر خطاب جمله در برخی عبارت‌ها سبب می‌شود لحن توضیحی از همان نوع که معمولاً در گفتار به کار می‌رود، بر عبارت حاکم شود، مانند: هذا إلى جانب مفسري القرآن و جمعی احکامه ابتداء من ... حيث لا يخلو تفسير من فكر تنموي على قدر من العمق و الأهمية (العسل ۱۴۱۶: ۸۴). موضوع در خصوص مفسران قرآن و گردآورندگان احکام آن نیز چنین است، از ... گرفته تا ... و غیره؛ شما هیچ تفسیری را نمی‌یابید که از اندیشه توسعه، آن هم تا حدودی عمیق و مهم تهی باشد (عرب ۱۳۷۸: ۱۰۲).

• پایبندی به قالب‌های بیانی زبان مبدأ

یکی دیگر از مواردی که منجر به عدم رعایت یا انعکاس سبک اثر اصلی در ترجمه می‌گردد، پایبندی بیش از حد به قالب‌های زبان مبدأ می‌باشد. این عمل، اغلب به خروج از حالت رسمی یا نوشتاری تعبیر منجر می‌گردد، مانند: فإذا تأمنت عناية الدولة للقطاع التجاري و رعيتها للتجار و منعت الاحتكار و ما يضر بالناس، و ... (العسل ۱۴۱۶: ۸۴). اگر دولت به بخش بازرگانی توجه کند و بازرگانان را زیر نظر بگیرد و از احتکار و دیگر خلاف‌هایی که به مردم ضرر می‌زند، جلوگیری نماید و ... (عرب ۱۳۷۸: ۱۱۹). توضیح: ... [فعالیت‌های اقتصادی] زیان‌آور...

• خروج از عبارت‌های کلیشه‌ای

عدم توجه به عبارت‌های کلیشه‌ای زبان مقصد نیز یکی دیگر از عوامل برهم زنده تعادل سبکی میان متن اصلی و ترجمه است. مثلاً در متون روزنامه‌ای عربی گفته می‌شود؛ «و أضاف قائلاً» که معنای تحت‌اللفظی آن چنین است: «وی افزود در حالی که می‌گفت». مع الوصف، در متون خبری و مطبوعاتی فارسی تنها یک فعل (افزود) به کار می‌رود.

• سبک واژگانی و فعلی

در سطح واژگان، بی‌توجهی به گونه‌زبانی یا سبک، در انتخاب معادل موجب برهم خوردن سبک عبارات متن اصلی می‌گردد. برای مثال می‌توان به کلمات «صبح»، «بامداد» و «سپیده‌دم» و «پگاه» اشاره کرد که به تدریج رسمی‌تر و ادبی‌تر شده‌اند (ناظمیان ۱۳۸۶: ۴۶). گزینش معادل مناسب از میان معادل‌های مختلف یک واژه یا فعل، می‌تواند به ارائه سبک متن زبان مبدأ کمک کند: و هكذا يتبين أن سيادة العدل و المساواة و انتفاء القهر و الظلم من المجتمع هي اسس جوهرية لتحقيق الرضى النفسى... (العسل ۱۴۱۶: ۱۱۰). بدین‌سان، این واقعیت چهره می‌نماید که حاکمیت بخشیدن به عدالت و سرکوب ستم، پایه اساسی تحقق رضایت روانی ... است (عرب ۱۳۷۸: ۱۳۸). **توضیح:** انتخاب معادل "چهره می‌نماید" موجب تغییر سبک متن به ادبی شده است، حال آنکه این عبارت بخشی از یک متن اقتصادی و بحث‌های توسعه اسلامی است؛ به جای این عبارت می‌توان از معادل "روشن می‌شود که ..." استفاده کرد که هماهنگی بیشتری با سبک متن مبدأ دارد.

• بار عاطفی و احساسی واژگان

نکته دیگری که به رعایت سبک متن مبدأ کمک شایانی می‌کند، توجه کافی به بار عاطفی یا احساسی واژگان و عبارات‌هاست. مثبت، منفی یا خنثی بودن کلمات از این مقوله است. مانند:

(۱) سنغوص فی أعماق التاريخ الإسلامی لنتعرض بعضا من تراثة الضخم الذى خلقه لنا المفكرون الإسلامیون فى میدان الإنماء... (العسل ۱۴۱۶: ۸۲). اینک اندکی در اعماق تاریخ اسلام فرو می‌رویم تا گوشه‌ای از میراث عظیم اسلام را که اندیشمندان مسلمان در عرصه توسعه برای ما برجای نهاده‌اند، تماشا کنیم... (عرب ۱۳۷۸: ۱۰۰). **توضیح:** فعل "سنغوص" به معنی فرو رفتن در عمق آب برای یافتن (مثلا مروارید) است، در حالی که کاربرد فعل فارسی "فرو رفتن" در ترجمه این جمله، دربردارنده جنبه‌ای منفی و ناخوشایند است. بنابراین عبارتی مانند "کاوش می‌کنیم" با سبک متن اصلی همسازتر است. برای فعل

"لنستعرض" هم معادل‌هایی مانند "بازیابی"، "پیش کشیدن"، "فراخواندن"، "از نظر گذراندن" و ... مناسبتر است.

(۲) ... بل کانت ادوات صممت لتقویض سیاده الاسلام (شرابی ۱۹۹۱: ۲۶). بلکه ابزارهایی هستند تهیه شده برای از میان بردن سرکردگی اسلام (عالم ۱۳۶۸: ۱۸). **توضیح:** واژه "سرکردگی" جنبه منفی دارد. برای این منظور واژه "حاکمیت" مناسب است.

• توالی معادل‌ها در ازاء یک واژه

مسأله قابل ذکر دیگر در زمینه سبک و رعایت صحیح آن در ترجمه، استفاده از چند معادل پی در پی برای یک واژه است که می‌تواند سبک نگارش را دستخوش تغییر کند. این امر بویژه با توجه به نوع متن اهمیت می‌یابد. برای مثال، ایجاز، اختصار و دقت در واژه‌گزینی از خصوصیات متون علمی و تخصصی است، در حالی که اگر برای هر واژه، دو یا سه کلمه به عنوان معادل ذکر گردد، این روال دچار اخلال می‌شود. در خصوص متون غیرعلمی هم این کار سبب می‌شود نوعی سبک گفتاری بر نوشتار حاکم شود یا ترجمه حالت توضیحی به خود بگیرد؛ زیرا اغلب در چنین حالت‌هایی مترجم میان انتخاب معادل از میان دو یا سه معادل مردد است و این مشکل به طور مرتب در جریان ادامه ترجمه نمود می‌یابد. مانند نمونه زیر که مترجم برای واژه "الدور" بین معادل‌های "نقش" و "وظیفه" مردد بوده، سرانجام به استفاده همزمان از هر دو معادل رو آورده است: إن الدولة الإسلامية... لها دور هام القاه الاسلام علی عاتقها لتحقيق عمارة البلاد بتكوين مجتمع المتقين الذی هو هدف التنمية و غايتها. يمكن التعرف الی هذا الدور من خلال الامور التالية... (العسل ۱۴۱۶: ۹۹). دولت اسلامی...؛ وظیفه‌ای مهم دارد که اسلام بر عهده‌اش نهاده است... این وظیفه و نقش را می‌توان از لابلای امور زیر شناخت... (عرب ۱۳۷۸: ۱۲۳).

۵-۱-۲. سبک نویسنده

منظور از سبک نویسنده در معادل‌یابی و واژه‌گزینی، فرهنگ واژگانی خاصی است که نویسنده بیشترین الفاظ خود را از آن می‌گیرد و به همین جهت برخی واژگان در نوشته‌ها و بیان او زیاد تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، برای شناخت سبک نویسنده در سطح جملات و عبارات، می‌توان

علاوه بر دقت در واژگان مورد استفاده نویسنده، شیوه نگارشی و بیانی، سادگی یا پیچیدگی عبارات و کوتاهی و بلندی جملاتی را که وی به طور معمول به کار می‌برد، مورد توجه قرار داد. گرایش نویسنده برای به کارگیری عبارات طنزآمیز، ارشادی، امری، روائی، و ... از دیگر عناصری است که می‌تواند ما را در شناخت صحیح سبک نویسنده یاری دهد. از سوی دیگر، شهرت بسیار زیاد نویسنده نیز ما را بر آن می‌دارد تا در ترجمه به سبک مورد استفاده وی بیشتر بها دهیم. البته این شهرت می‌تواند در سطوح مختلف ادبی، یا حتی سیاسی باشد؛ مانند ادبیات خاص مورد استفاده یک رئیس‌جمهور. به عبارت دیگر، در صورت تقابل سبک متن با سبک نویسنده، این سبک نویسنده است که باید نمود یابد. همچنین می‌توان لحن سخن نویسنده را تنها با توجه به عباراتی که به کار می‌برد، در یکی از دسته‌های کلی زیر قرار داد: ملایم و لطیف، خشک، خشن، طنز، حزن‌انگیز، مؤدبانه، ساده و بی‌پیرایه، کنایه‌آمیز، ادیبانه، شاعرانه، عارفانه، عاشقانه و ...

۵-۱-۳. نوع متن

نوع متن سبک خاص خود را نیز طلب می‌کند. بنابراین، سبک به کار رفته در متن می‌تواند از نوع متن تأثیر بپذیرد و به صورت علمی، ادبی، و ... درآید. در حقیقت هر سطح از سطوح یادشده در نوع بخصوصی از متون کاربرد دارد و وجهه غالب آن به شمار می‌رود. حفظ ویژگی‌های نوع متن بویژه در متون تخصصی، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. حفظ خصوصیات متن و رعایت نوع آن، حلقه دیگری است از سلسله به هم پیوسته «عوامل هدایتگر» که در صورت رعایت سبک متن دست‌یافتنی است.

۵-۱-۴. توجه به مخاطب

مشخص بودن مخاطب متن برای مترجم اهمیت زیادی دارد. داشتن تصویر روشن از مخاطب اثر، در انتخاب فرهنگ‌های لغت و برداشت درست از اطلاعات ذکرشده در متن اصلی تأثیر فراوان دارد. با مشخص بودن مخاطب نوع معادل‌یابی برای واژگان دستخوش تغییر می‌شود و

واژه‌گزینی‌ها متناسب با سطح درک مخاطبان صورت می‌گیرد. از سوی دیگر حدود اختیارات مترجم برای به کارگیری جملات طولانی یا کوتاه تعیین می‌شود.

۵-۱-۵. انسجام متنی و روان بودن متن ترجمه

به طور کلی، انسجام «مطابقت متن با محیط آن» تعریف شده است. این اصطلاح توسط رایس و ورمیر در حوزه مطالعات ترجمه به کار رفته است (شاتلورت و کاوی ۱۳۸۵: ۴۱). مسائل زیر از جمله عوامل اثرگذار در انسجام متن ترجمه است که لازم است در ارزیابی مورد توجه باشد:

• به کارگیری صحیح کلمات ارتباط‌دهنده

وجود انسجام در میان عبارات متن ترجمه موجب زودبایی و روان‌تر شدن آن می‌شود. از این رو، لازم است عملکرد مترجم در انتخاب ترکیب‌ها، عبارات و جمله‌های یکدست و نیز کلمات ارتباط‌دهنده و انسجام‌بخش ثبت شده و در ارزیابی انعکاس یابد.

• حذف ضروری

حذف برخی کلمات و حروف غیرضروری نیز از جمله عوامل مهم اثرگذار در فرایند انسجام و روانی متن ترجمه است. به عنوان نمونه می‌توان به حرف "و" اشاره کرد که در زبان عربی مکرر استعمال می‌شود. علاوه بر حرف "و"، برخی واژگان نیز هستند که در درون ترکیب عربی ضرورت دارند، اما به هنگام ترجمه زاید هستند و ترجمه نمی‌شوند. به عنوان نمونه در دو عبارت زیر، واژگان مشخص شده، در ترجمه زاید به حساب می‌آیند: إنها تمثل مبادرة الفرصة الأخيرة^۱ این به منزله آخرین فرصت است. - ممارسة نقد العقلية المعاصرة^۲ نقد عقلانیت معاصر

• کاربرد به‌هنگام واژه یا عبارت توضیحی

گاه نیز عدم به کار بردن به موقع واژگان خنثی ارتباط و انسجام جملات متن را از میان می‌برد. برای مثال، در عبارت زیر لازم است عبارت توضیحی ضروری که از سیاق متن فهمیده می‌شود، در ترجمه اضافه شود: و من البین ان اعراضهم لم یکن لنقص فی حجج النبی (ص) و آیاته

۱. الوفاق، رقم ۳۰۵۰ (۲۰۰۸/۴/۲۱) ص ۱۲.

۲. فصلیه ایران و العرب، السنة الرابعة، العددان ۱۵-۱۶، ص ۱۸۳.

و لكن الظالمين بآيات الله يجحدون...: پرواضح است که علت اعراض آنان نقصان در ادله پیامبر (ص) و آیات نبوده است، بلکه [علت آن است که] ستم‌پیشگان [همیشه] آیات خداوند را انکار می‌کنند.

۵-۱-۶. رعایت ظرفیت‌های ساختاری و فرهنگی زبان مقصد

رعایت تقدیم و تأخیرهای ضروری برخی واژگان یا جملات وابسته به هم و عدم انعکاس ساختار جملات زبان مبدأ در ترجمه، استفاده از کلیشه‌های بیانی برابر در زبان مقصد و توجه لازم به روش‌های برخورد با عناصر فرهنگی در ترجمه، از جمله مواردی است که باید در ترجمه مد نظر قرار گیرد.

الف) رعایت ظرفیت‌های ساختاری زبان مقصد یا عدم انعکاس ساختار زبان مبدأ

امروزه در اثر ترجمه از زبان‌های اروپایی واژگان و اصطلاحات مختلفی در زبان‌های میزبان پیدا شده است. اصطلاحاتی چون "در رابطه با، روی کسی یا چیزی حساب کردن، نقطه‌نظر، بی‌تفاوت، چراکه نه، به اندازه کافی و ..". از جمله ترکیب‌هایی هستند که بر اثر ترجمه از این زبان‌ها در زبان فارسی پدیدار شده‌اند (مشیری ۱۳۷۳: ۱۲). بر اثر ترجمه از عربی به فارسی نیز برخی الگوهای بیانی عربی در فارسی انعکاس می‌یابد که می‌توان به بارزترین آن‌ها اشاره کرد:

- اظهار غیرضروری مثنی مانند:
و قال لهما إنه يجب عليكما أن تفكرا فيما تفعلون..
ترجمه: و به آن دو گفت شما دو نفر باید درباره کارهایی که می‌کنید، فکر کنید.
توضیح: و به آن‌ها گفت شما باید درباره کارهایی که می‌کنید، فکر کنید.
- تکرار مضاف‌الیه به تبعیت از جمله عربی مانند:
كلام الإنسان و اعماله و حياته و موته...
ترجمه: کلام انسان و اعمال او و زندگی او و وفاتش...
توضیح: کلام، اعمال، زندگی و وفات انسان...

- عدم رعایت تقدیم و تأخیرهای ضروری واژگان و جملات به هم وابسته
عدم رعایت تقدیم و تأخیرهای ضروری واژگان مانند:
اعربت كل من ایران و سوريا و السعودية عن احتجاجها علی...؛
ترجمه: هر کدام از ایران و سوریه و عربستان اعتراض خود را نسبت به .. اظهار داشتند.
توضیح: ایران، سوریه و عربستان، هر کدام، اعتراض خود را نسبت به .. اظهار داشتند.
عدم رعایت تقدیم و تأخیرهای ضروری جملات به هم وابسته مانند:
كان قد تغدا عندما اتصلت به.
ترجمه: ناهار خورده بود؛ وقتی که با او تماس گرفتم.
توضیح: وقتی با او تماس گرفتم، ناهار خورده بود.
جابجایی بدل و مبدل منه در جمله مانند:
- اعلن الامين العام لمنظمة الامم المتحدة كوفي عنان عن ارتياحه بشأن....
ترجمه: دبیر کل سازمان ملل متحد، کوفی عنان نسبت به ... ابراز خرسندی کرد...
توضیح: کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، نسبت به... ابراز خرسندی کرد. (در زبان فارسی، ابتدا مبدل منه و سپس بدل ذکر می گردد.)
- ترجمه منادای غایب عربی به صورت سوم شخص مانند:
«يا من يعطى الكثير بالقليل»: «ای کسی که زیاد را در برابر کم عطا می کند!».
توضیح: «ای کسی که زیاد را در برابر کم عطا می کنی!».
- ترجمه تحت اللفظی؛ مانند ترجمه عبارت زیر:
جرمة يندی لها الجبين؛ الكيان الصهيوني يحقن أطفال الإنتفاضة بفيروس الإيدز
ترجمه: جنایتی که به خاطر آن عرق از پیشانی سرازیر می شود؛ رژیم صهیونیستی
ویروس ایدز را به کودکان انتفاضه تزریق می کند (عزیزی پور ۱۳۸۵: ۳۷). (به جای:
یک جنایت شرم آور....).

• تعامل صحیح با ضمائر عربی

ضمیر عربی در موارد مختلفی در جمله ذکر می‌گردد که البته هنگام ترجمه نیازی به ترجمه برخی از آن‌ها نیست. مانند: فرز النفایات من منشأها: تفکیک زباله از مبدأ. ذکر این نکته نیز لازم است که در سال‌های اخیر، تحت تأثیر زبان‌های اروپایی، بویژه انگلیسی، از تکرار ضمیر در ترکیب‌ها در متون بسیاری به نحو چشمگیری کاسته شده است (نیازی ۱۳۸۷: ۹۰-۹۲).

ب) توجه به اصول ترجمه ضرب‌المثل‌ها، کنایات و تعابیر حاوی عنصر فرهنگی

با بررسی روش‌های متداول در ترجمه عناصر فرهنگی در می‌یابیم که انتخاب روش برای ترجمه این عناصر به میل مترجم بستگی ندارد. در حقیقت ضرب‌المثل‌ها و کنایاتی که ریشه در تاریخ کهن ملت‌ها دارند، در مقایسه با تعبیرهای مشابه در عصر جدید بار فرهنگی سنگین‌تری دارند و به شرح و توضیح یا تعدیل نیازمندند. اما هنگامی که یک نماد یا ضرب‌المثل یا کنایه در هر دو زبان مبدأ و مقصد هم از نظر بازتاب مفهومی و هم از جهت شکل و تصویر احساسی و عاطفی به کار گرفته شده، یکسان باشد، جایگزینی معادل دقیق و همسنگ آن در زبان مقصد در اولویت قرار می‌گیرد.

۵-۱-۷. هدف متن

منظور از هدف متن بررسی میزان تأثیرگذاری متن ترجمه در مقایسه با متن اصلی است تا بتوان از این طریق به ارزیابی تحقق اهداف نویسنده پی برد. ارزیاب در اینجا به مقایسه اثر کلی متن اصلی بر مخاطب با اثر متقابل متن ترجمه شده می‌پردازد و شدت یا ضعف این اثرگذاری را مشخص می‌کند. برای بررسی میزان تأثیرگذاری متن ترجمه، می‌توان به بررسی کارکردهای مختلف پیام‌های درون متن نیز پرداخت. با توجه به این مطلب، هر پیامی می‌تواند کارکرد خاصی داشته باشد و در این میان توجه داشتن به هدف پیام، به معنی اهتمام به کارکرد مورد نظر نویسنده از بیان پیام می‌باشد (مشیری ۱۳۷۳: ۱۱۹-۱۲۰).

۲-۵. عوامل درون‌متنی

مسئله مهمی که پیش از شروع بررسی عوامل درون‌متنی باید به آن اشاره کرد، این است که در ترجمه، فرض بر تلاش مترجم برای ترجمه درست است. لذا غالباً خطاها غیر عمدی است. بنابراین در موارد نادری که درست عکس منظور نویسنده در ترجمه انعکاس می‌یابد (مانند منفی شدن فعل مثبت یا برعکس)، معمولاً اشتباهات تایی دخالت دارد. اما اگر برای ارزیاب حالتی غیر از اشتباه تایی محرز گردد (چنین مواردی بسیار نادر است)، در این صورت پیشنهاد می‌کنیم هر مورد از این خطاها به مثابه ۲ خطا برای مترجم ثبت شود و مجموع موارد به دست آمده از ارزیابی در فرمول ۲ قرار گیرد تا ارزیابی نهایی با در نظر گرفتن نتیجه حاصل از بررسی عوامل هدایتگر و عوامل درون‌متنی انجام پذیرد.

(تعداد مخالفت‌های عمدی با منظور نویسنده * ۲) + اشتباهات معادل‌یابی یا برابریابی

تعداد صفحات ارزیابی شده

فرمول ۲

کار بررسی عوامل درون‌متنی در سه سطح واژگان، ترکیب و عبارت، و جملات انجام می‌شود. اشتباهات مترجم در این سطوح به طور جداگانه مورد شمارش و نتیجه در فرمول ۲ قرار می‌گیرد. ما مسائل مختلف درون‌متنی را در سه سطح دسته‌بندی می‌کنیم و مسائل هر سطح را در آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۵.۱. واژگان

در سطح واژگان، مسائل مختلفی وجود دارد که کار ارزیابی بر آن‌ها استوار می‌گردد. ابتدا برای آنکه در بررسی عناصر اساسی از سه سطح یادشده خارج نشویم، ضبط صحیح اعلام را نیز در

سطح واژگان مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به معادل‌یابی و عناصر اساسی دخیل در آن خواهیم پرداخت.

• ضبط اعلام

ضبط نادرست اعلام از جمله مواردی است که گاه می‌تواند ترجمه را تحت الشعاع خود قرار دهد، البته زمانی که ضبط غیر صحیح علم، در زبان مقصد کاملاً بیگانه و نامشخص باشد. در خصوص اسامی شهرها، کشورها و مکان‌ها نیز این نکته را نباید از نظر دور داشت که ضبط برخی از این اسم‌ها در زبان عربی همراه با تغییراتی است که ممکن است ذکر عینی و دست‌نخورده آن در زبان فارسی، اصلاً مفهوم نباشد؛ مانند «برشلونه = بارسلونا»، «بام = بم»، «فینا = وین»، «نمسا = اتریش» و... یکی دیگر از عواملی که سبب اشتباه مترجمان در ضبط صحیح اعلام در ترجمه از عربی به فارسی می‌شود، استفاده از القاب عربی برای برخی شهرها و مکان‌هاست. مانند: «دارالبیضاء» و «أرض الرافدین»، به ترتیب به جای «کازابلانکا» و «عراق».

• معادل‌یابی

هرچه مترجم به ظرافت‌های معنایی واژه در ترکیب‌های مختلف آگاه‌تر باشد، تحیر و سرگردانی وی نیز در انتخاب معادل بیشتر خواهد شد، اما انتظاری که از مترجم می‌رود این است که با کمترین خسارت و لطمه معادل مناسب را انتخاب کند (عنانی ۲۰۰۴: ۵). بحث‌های زیر از جمله مسائل مهمی هستند که در معادل‌یابی واژگان باید مورد توجه قرار گیرند، اما پیش از آن اشاره به این نکته ضروری است که در ارزیابی، تکرار یک اشتباه (مانند معادل متفاوت با مفهوم یک واژه) در طول متن تنها به منزله یک اشتباه در نظر گرفته می‌شود.

(۱) معادل‌گزینی متفاوت با مفهوم واژه

هنگامی که از معادل‌گزینی متفاوت با مفهوم واژه صحبت می‌کنیم، به آن دسته از معادل‌ها اشاره می‌کنیم که اساس آن استنباط اشتباه است و بافت و سیاق کلام نیز آن را تداعی نمی‌کند، مانند: و ربما أن عصر الوطنية - الذی حاول نابليون أن يستغله لحل المسألة الشرقية بالمسألة اليهودية - كان فاعلا على الناحية الإسلامية دون حاجة إلى تليفقات أمبراطور فرنسی يقود جيوشا غربية توجهها خطط امبراطورية مسلحة (هیکل ۱۹۹۶: ۳۸). شاید عصر ملی‌گرایی که ناپلئون سعی می‌کرد آن را

با طرح مسأله یهود برای حل مشکل خاورمیانه مورد بهره‌برداری قرار دهد از جهت اسلامی - عربی بدون نیاز به دستورات امپراتور فرانسه که لشکرهای خود را برای اجرای طرح‌های امپراطوری‌اش به منطقه گسیل داشت، مؤثر واقع شد (سعیدی ۱۳۷۸: ۳۶). **توضیح:** معادل "تلفیقات"، "داستان‌های ساختگی" است.

۲) معادل‌گزینی اسم‌های مشترک در عربی و فارسی

چنانکه می‌دانیم زبان فارسی ارتباطی تنگاتنگ با زبان عربی دارد. واژگان بسیاری از عربی وارد فارسی شده‌اند که طی سال‌ها دچار تحولات و دگرگونی‌های معنایی گردیده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد «واژگان عربی در فارسی از تحول معنایی واپس مانده‌اند» (آذرنوش ۱۳۸۵: ۱۷۵)، با این حال باید در نظر داشت که تحول در مفهوم این واژگان، چه در زبان مادر صورت گرفته باشد چه در زبان میزبان، سبب بروز مشکل در ترجمه می‌گردد، مانند: إن قوة ایران و استقرارها و مکانتها المرموقه مسائل لاتروق للأعداء؛ قدرت ایران و استقرار و جایگاه چشمگیرش مسائلی است که خوشایند دشمنان نیست (همان: ۲۸۵). **توضیح:** معادل "الإستقرار"، "ثبات" است. استقرار در فارسی به معنای برپایی یا برقراری (مثلاً صلح) یا جایگیری (مثلاً نیروها) به کار می‌رود.

۳) معادل‌گزینی با توجه به مفهوم اصطلاحی واژگان

به عنوان مثال واژه «مفخحة» از ریشه «فخ» و در اصل به معنای «تله‌گذاری شده یا دام‌گذاری شده» می‌باشد، اما مفهوم اصطلاحی آن «بمب‌گذاری شده» است؛ در مثال زیر مفهوم اصطلاحی و جدید واژه «تحدی» (= چالش) نادیده گرفته شده است: كان الحافز الاساسی للإصلاح نابعا من التحدی الذی طرحه الغرب علی المجتمع الاسلامی (شرابی ۱۹۹۱: ۳۷). مبارزه‌جویی که غرب بر جامعه اسلامی تحمیل می‌کرد سرچشمه انگیزه اصلی جنبش اصلاح‌طلبی بود (عالم ۱۳۶۸: ۳۲).

۴) معادل‌گزینی با توجه به وسعت معنایی واژگان

واژگان یک زبان از شمول و وسعت معنایی یکسانی برخوردار نیستند. واژگان مختلف ممکن است با یکدیگر هم‌معنی باشند، اما همیشه نمی‌توان آن‌ها را به جای هم به کار برد. به عنوان مثال واژگان «بوروکراسی» و «کاغذبازی» اگرچه از نظر معنا ممکن است گاهی به جای هم مورد

استفاده قرار گیرند، اما می‌دانیم که کاغذبازی تنها می‌تواند جزیی از بوروکراسی باشد، بنابراین برای واژه «بیروقراطیه» بهتر آن است که از واژه بوروکراسی استفاده شود.

۵) معادل‌گزینی با توجه به شدت و ضعف معنایی واژگان

واژگان مختلف علی‌رغم شباهت معنایی، گاه از نظر شدت و ضعف مفهومی تفاوت‌های زیادی دارند. برای مثال می‌توان کلمات مترادف «مناسب» (الملائم)، «مطلوب» (المنشود)، «خوب» (الجید)، «ایده‌آل» (المرجو)، «آرمانی» (المثالی)، را در نظر گرفت که معنا به شکل تدریجی در آن‌ها تأکید شده و شدت یافته است (ناظمیان ۱۳۸۶: ۴۹). و *سأهت الطریقه التقلیدیة الراسخه لمواجهه مصاعب العیش و لنقل الحکمه الموروثة فی کتب النزعه الفریدیة و کیح ادراک الذات المستقل* (شرابی ۱۹۹۱: ۲۶). شیوه رایج رویارویی با خطرهای زندگی و نحوه انتقال ذهنیت موروثی، به از میان بردن فردیت و به جلوگیری از خودآگاهی مستقل کمک کرد (عالم ۱۳۶۸: ۱۹). **توضیح:** شدت معنایی "از بین بردن" با "سرکوب کردن" به عنوان معادل صحیح "کبت" برابر نیست.

۶) معادل‌گزینی با در نظر گرفتن مفهوم ثانوی واژگان

از نظر زبان‌شناختی، با شنیدن کلمه در خارج از متن معمولاً مفهومی در ذهن نقش می‌بندد که آن را مفهوم اولیه می‌نامند. اما اغلب کلمات، با توجه به موقعیت و متن، مفاهیم متعدد دیگری هم دارند. برای مثال در مقابل جمله «أنا أعرفه» در فارسی «من او را می‌شناسم» قرار می‌گیرد، ولی جمله «انا اعرف کل شیء»، «من همه چیز می‌دانم» ترجمه می‌گردد. در این جمله‌ها واژه «أعرف» در هر دو مفهوم اولیه و ثانوی خود استفاده شده است. نمونه زیر موردی از عدم توجه به مفهوم ثانوی واژه است: للإمام ایضا ان یختار فیجعل علی کل ارض من الخراج ما یحتمل و یطیق اهلها (العسل ۱۴۱۶: ۱۰۶). امام حق انتخاب دارد. او می‌تواند بر هر زمینی به اندازه بازدهی آن و متناسب با توان اهل آن خراج قرار دهد (عرب ۱۳۷۸: ۱۳۵). **توضیح:** "یجعل" در اینجا به مفهوم ثانوی آن یعنی "وضع کند" به کار رفته است.

۷) معادل‌گزینی با توجه به پشتوانه فرهنگی واژگان

کاربرد واژگان مختلف در برخی معانی متأثر از فرهنگ هر ملت است. برای مثال کاربرد استعاره نام‌ها، روابط اجتماعی، عناوین و اصطلاحات مربوط به آن، نوع لباس‌ها، غذاها و شرایط جغرافیایی، آداب و سنن خاص ملی، باورها و عقاید اجتماعی از جمله عناصر مهم فرهنگی در هر زبان هستند.

برای مثال در کشورهای عربی "غصن الزیتون" (= شاخه زیتون) نشان و سمبل صلح و آرامش است. همچنین، "کرکس" در فرهنگ عربی نشانه بلندپروازی و رفعت مقام است، در حالی که در فرهنگ فارسی "عقاب" چنین است (معروف ۱۳۸۰: ۱۵۷). هرچند که به نظر می‌رسد استفاده از نام کرکس در فرهنگ عربی به این منظور ابتدا از روی یک اشتباه در ترجمه رواج یافته است (عنانی ۲۰۰۴: ۳۱).

بهترین راه ترجمه این عناصر آن است که در صورت تفاوت با فرهنگ مقصد، با عناصری از فرهنگ مقصد با همان وزن و خاصیت جایگزین شده و در پی نوشت به اصل کلمه و نقش آن در فرهنگ مبدأ اشاره شود. البته در صورتی که عنصر فرهنگی در بافت متن قابل فهم و هضم باشد، بهتر آن است که به ذکر آن در متن و توضیح و جایگزینی آن با عنصر فرهنگی مقصد در پی نوشت پرداخت.

۸) معادل‌گزینی با رعایت وحدت کاربرد اصطلاح در طول متن

معادل‌گزینی با رعایت وحدت کاربرد یک اصطلاح در طول متن، بدین معنی است که اگر مترجمی، مثلاً از اصطلاح «نوکیسه» به عنوان معادل واژه «وصولی» استفاده کرد، باید همین معادل را تا پایان متن به کار ببرد و حتی‌الامکان از به کار بردن معادل‌هایی چون «تازه به دوران رسیده» به عنوان معادل‌های دیگر این واژه پرهیزد. در متن زیر که موضوع آن برقراری امنیت و نظم (إحلال الأمن و النظام) است، مترجم در ترجمه واژه «نظام»، گاه از معادل «نظم» و گاه از معادل «نظام» استفاده کرده که این عمل سبب می‌شود خواننده گاهی احساس کند موضوع متن حفظ «نظام» یا تشکیلات حکومتی "است: و هما (الامن و النظام) ضروریان لتحقيق العمارة و التنمية ... ينصح الامام الولاة بتطبيق مبدأ الثواب و العقاب و اعتماد حفظة الامن أو جنود الله كما سماهم ليتمكن من الضرب على يد كل خارج على النظام و تحقيق الامن داخل المجتمع (العسل ۱۴۱۶: ۹۳). از دیدگاه

امام امنیت و نظم برای تحقق آبادانی و توسعه ضروری هستند... . امام والیان را به اجرای اصل پاداش و مجازات و گماردن پاسداران امنیت یا به تعبیر ایشان سربازان خدا سفارش می‌کند تا امکان سرکوب کسانی که بر نظام می‌شورند، فراهم شود و امنیت در درون جامعه تحقق یابد (عرب ۱۳۷۸: ۱۱۴). **توضیح:** ... تا امکان برخورد با برهم زنندگان نظم فراهم شود....

۹) توجه به تنوع اصطلاحات در گستره مناطق عربی

به دلیل گستردگی قلمرو رواج زبان عربی، تفاوت‌هایی در برخی اصطلاحات رایج در کشورهای عرب‌زبان مناطق مختلف به وجود آمده است. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه اصطلاحات تخصصی حقوقی در عربی آفریقا و خاورمیانه با اشکال متفاوتی بیان می‌شود:

اصطلاح حقوقی فارسی	معادل عربی در شمال آفریقا	معادل عربی در خاورمیانه
مأمور اجرای دادگاه	رسول المحکمه	مباشر المحکمه
صغیر بودن	دون سن الرشد	قصور شرعی
هیأت داوری	هیأة المحلفین	هیأة المحکمین

۱۰) نقل بدون معادل‌یابی

گاهی مترجمان به دلایل مختلف اقدام به نقل عینی واژه مبدأ در متن ترجمه می‌کنند این کار علاوه بر آنکه موجب رواج بی‌دلیل واژگان بیگانه می‌گردد، در اغلب موارد سبب بروز ابهام و دشواری در فهم متن ترجمه می‌گردد، مانند: و لنقف علی مفاهیم و اهداف و مصطلحات التنیمة فی الاسلام من خلال الثوابت الآتیة: اولاً: العطاء الفکری الاسلامی للتنمیة (ابن خلدون)... (العسل ۱۴۱۶: ۸۲). ... با مفاهیم و هدف‌ها و اصطلاحات توسعه در اسلام، از لابه لای ثوابت زیر آشنا شویم: اول: اندیشه اسلام درباره توسعه (ابن خلدون).. (عرب ۱۳۷۸: ۱۰۹). **توضیح:** به نظر می‌رسد منظور از "ثوابت" در اینجا "اصول ثابت ... " باشد.

۱۱) معادل‌گزینی با توجه به بافت عبارت

توجه به بافت کلام، مترجم را در تعیین چندگانگی‌های معنایی واژگان یاری می‌دهد. مسائل زیر با توجه به بافت عبارت روشن می‌شود. از پنج مورد چندگانگی که برای معنا ذکر کرده‌اند (ر.ک. حدادی ۱۳۷۰: ۲۰-۲۵)، سه مورد مربوط به واژگان است که از این میان یک مورد آن به بافت مربوط می‌شود و آن عبارت است از: چندگانگی در اقسام لغت؛ که می‌توان آن را حضور یک واژه در چندین نوع یا رده لغوی که هر بار به یک معنا می‌باشد، دانست. مانند: "من" که گاه موصولی است و گاه شرطی است و به معنای "هر که" به کار می‌رود. واژه «أبدا» نیز در بافت‌های متفاوت، دو معنای کاملاً متضاد به خود می‌گیرد. گاه به معنای «هرگز» است که در این حال فعل قبل از آن منفی می‌باشد و گاه به معنای «همیشه» می‌باشد و آن زمانی است که جمله مثبت باشد.

۱۲) معادل‌گزینی با توجه به سیاق متن

منظور از سیاق، محدوده مشخصی از مفهوم است که یک واژه با در نظر گرفتن بار احساسی کلام و نوع متن، در آن قرار می‌گیرد. گفتیم از پنج مورد چندگانگی که برای معنا ذکر کرده‌اند، سه مورد مربوط به واژگان است که یک مورد آن به بافت مربوط می‌شد، اما دو مورد باقیمانده به سیاق متن ارتباط می‌یابد که عبارتند از: ۱. چندگانگی معنا در لغت؛ مانند همنام‌ها یا مفاهیمی که از یک کلمه برای نامیدن آن‌ها استفاده می‌شود. مثال: عین (= چشمه/جاسوس / چشم ...). ۲. چندگانگی در حیطه علوم؛ عبارت است از تغییر معنی واژه در رشته‌های گوناگون علمی که این تغییر می‌تواند اساسی یا اندک باشد. به عبارت دیگر در اینجا معادل‌گزینی با در نظر گرفتن حوزه تخصصی کاربرد واژه انجام می‌پذیرد. بدین معنی که ممکن است یک واژه در سیاست به یک معنا باشد و در فلسفه یا حقوق و ... به معنایی دیگر.

سطح کاربردی واژه را نوع متن تعیین می‌کند. برای مثال، واژه "بیان" در حوزه متون اجتماعی و سیاسی به معنی "بیانیه" و در حوزه متون حقوقی به معنی "اظهارنامه" است. معنی دقیق برخی حروف نیز تنها در چهارچوب سیاق متن مشخص می‌شود. برخی از این حروف مسبب تغییر مفهوم جمله هستند. مثلاً، حرف جر «علی» می‌تواند هم به معنی "به خاطر، یا به دلیل" باشد و هم به معنی "علی رغم" یا با وجود آن که". نکته دیگری که در زمینه سیاق، توجه به آن می‌تواند مفید

واقع شود، تقسیم سطوح کاربردی واژه بر اساس طبقه‌بندی انسانی و سازمانی است. مثلاً، واژه "قرار" بسته به سیاق می‌تواند به معنی "تصمیم‌گیری" (در سیاق عادی و انسانی)، یا "مصوبه" (در سطح سازمانی - پارلمان)، یا "قطعنامه" (در سطح سازمانی - سازمان ملل) باشد. فعل "استقبال" نیز می‌تواند در یک سیاق به معنی "استقبال کرد" (انسانی - هم‌سطح) یا در سیاقی دیگر "به حضور پذیرفت" (انسانی - در سطح عالی به دانی) ترجمه شود.

یکی دیگر از فواید توجه به سیاق، تعیین مفهوم حاصل از واژگان در عبارتهای مختلف برای ترجمه است. مانند: بل أضاف اعتماد آخر لصیانه هذه الطرق من عادیات الطبیعة و تعدیات الإنسان و القیام بتأهیلها لتظل صالحه و متطورة... (العسل ۱۴۱۶: ۱۱۵). بلکه اعتبار دیگری نیز برای نگهداری و حفظ راه‌ها از حوادث طبیعی و تجاوزهای انسان بر آن می‌افزاید تا راه‌های موجود همواره ... (عرب ۱۳۷۸: ۱۴۴). توضیح: حفظ راه‌ها از حوادث طبیعی و [صدمات ناشی از] عامل انسانی ...

۵-۲-۲. در سطح ترکیب یا عبارت

اغلب اشتباهات مترجمان هنگام ترجمه ترکیب یا عبارت شکل می‌گیرد. پیش از آنکه به بررسی مسائل مربوط به ترکیب‌ها بپردازیم، لازم است به این نکته اشاره کنیم که ما واژه «عبارت» را مترادف با «ترکیب» به کار برده‌ایم. توجه به موارد زیر در ارزیابی عملکرد مترجم در سطح ترکیب‌ها و عبارات ضروری است:

• تعیین دقیق واحد ترجمه

واحد ترجمه عبارت است از کوچکترین بخش عبارت که در آن انسجام میان اجزای تشکیل‌دهنده چنان است که نمی‌توان هر جزء را جداگانه ترجمه کرد. به عبارت دیگر ترجمه هر جزء، به ترجمه جزء دیگر بستگی دارد (خزاعی فر ۱۳۷۳: ۲۰). «واحد ترجمه مکانیکی و ثابت نیست، بلکه شناور و پویاست و از بافتی به بافت دیگر تغییر می‌کند» (شمس آبادی ۱۳۸۰: ۷۸). از این رو نمی‌توان چهارچوب کاملاً مشخصی برای آن تعیین کرد. مثال‌های زیر، از جمله مواردی هستند که مترجم را وادار می‌دارد واحد ترجمه را فراتر از یک کلمه انتخاب کند:

ترطیب الاجواء: تنش‌زدائی

وضع النقاط علی الحروف: شفاف‌سازی [مواضع یا اوضاع و...]

• اصل نسبیت زبانی

عدم وجود معیارهای مطلق برای ترجمه که در همه زبان‌ها و در همه شرایط به کار رود، یکی از مهمترین مشکلات ترجمه است. برای مثال، سه تعبیر عربی زیر در فارسی تنها به یک صورت ترجمه می‌شود: مساء الخیر (اول شب)؛ تصبیح علی خیر (پایان شب)؛ لیلۃ سعیده / طابت لیلتك (= شب بخیر). به عنوان مثالی دیگر، الفاظ ابتدای ترکیب‌های عربی زیر در زبان فارسی با واژه «رئیس» جایگزین می‌شود. این در حالی است که واژگان عربی هر کدام در ترکیب خاص خود قرار می‌گیرند و به جای یکدیگر به کار برده نمی‌شوند: مدیر دائرة شؤون التعليم للجامعة؛ رئیس اداره آموزش - أمين المحفوظات؛ رئیس بایگانی - عمید الكلية؛ رئیس دانشکده - نقیب المحامین؛ رئیس کانون وکلا

• همنشینی واژگان

واژگان مختلف از طریق همنشینی و استعمال در کنار دیگر واژگان، گاه معنای اولیه خود را به طور کامل از دست می‌دهند و به انتقال مفهومی جدید کمک می‌کنند. برای مثال «أبواب» به هنگام همنشینی با «الکتاب»، تنها به شکل «فصل‌های کتاب» ترجمه می‌گردد.

• همایندی^۱

می‌توان همایندی را پرتکرار بودن کاربرد گروهی از واژگان در کنار یکدیگر دانست که به صورتی جاافتاده و معمول در یک زبان درآمده باشد. به عبارت دیگر اجزای این ترکیب‌ها را نمی‌توان از هم جدا کرد یا به جایگزینی هر یک از آنها با واژه دیگر پرداخت. این مطلب نشان می‌دهد که رعایت سطح همایندی واژگان در ترکیب‌ها تا چه حد می‌تواند به «طبیعی بودن» متن ترجمه کمک کند: فهو یطلب من الامام ان یبعث فی کل ناحیه بمن یشرف علی الطریق و یتبع ما یحدثه الناس بها فیزیله و یتوعد علیه لان طرق المسلمین لیس لاحد ان یحدث بها شیئا مما یضرمهم (العسل ۱۴۱۶: ۱۱۵). او از امام می‌خواهد که: "مامورانی را به هر ناحیه گسیل دار، تا بر

1. collocation

راه‌ها نظارت کنند و آسیب‌هایی را که مردم به راه‌ها وارد می‌آورند، شناسایی و نابود سازند و ... (عرب ۱۳۷۸: ۱۴۵).

توضیح: ناهمبندی "نابودی آسیب‌ها" ترجمه را غیرطبیعی کرده است. همبندی "برطرف شدن یا اصلاح با آسیب‌ها" در زبان فارسی مناسب‌تر است. در صفحات ۱۱۴ و ۱۱۵ نیز ترکیب‌های ناهمبند «اهمیتی بزرگ» و «امیدهای گسترده» به عنوان معادل ترکیب‌های عربی «اهمیه کبری» و «الآمال المتسعة» به کار برده شده است که صورت صحیح این ترکیب‌ها چنین است: «اهمیتی زیاد» و «امیدهای فراوان».

• نقش حروف در ترکیب

علاوه بر واژگان، حروف نیز می‌توانند در ترکیب با واژگان دیگر به انتقال مفهوم جدید کمک کنند. در مثال‌های زیر تمام حروف موجود در ترکیب‌های عربی معنای خود را تغییر یا از دست داده‌اند: عن قریب؛ به زودی، عن إذنک؛ با اجازه شما؛ فضلا عن؛ علاوه بر، گذشته از، چه رسد به ... همچنین حرف جر «من» نیز گاه به جای یک ترکیب اضافی به کار می‌رود و بنابراین نباید ترجمه شود. مانند: أحداث أدمت منا القلوب (= ادمت قلوبنا)؛ وقایعی که دل‌های ما را جریحه‌دار ساخت (فاتحی نژاد و فرزانه ۱۳۸۰: ۱۵۴). حروف عربی در ترکیب با فعل‌ها نیز منجر به تغییرات مهمی در معنا می‌گردند که در بخش بررسی جمله، به آن اشاره خواهیم کرد.

۵-۲-۳. در سطح جمله

وظیفه مترجم در ترجمه جمله، تعیین نزدیکترین چهارچوب مفهومی است که پیام نویسنده را به بهترین شکل با در نظر گرفتن عوامل هدایتگر، منتقل کند. مسائل زیر از جمله مهمترین اشکالاتی است که ممکن است ترجمه در این سطح با آن مواجه باشد:

• حذف

برخی از مترجمان هنگامی که به جمله یا جملاتی می‌رسند که از فهم آن عاجز می‌مانند، اقدام به حذف آن می‌کنند که البته این حذف ممکن است برای بخشی از یک جمله هم اتفاق بیفتد. در موارد دیگر نیز این کار به دلایل دیگری از جمله کاستن از فشار کار ترجمه، ضروری تشخیص

ندادن، خطای دید و ... رخ می‌دهد. در ارزیابی به ازای حذف هر جمله یا بخشی از آن، یا حذف یک پاراگراف به طور کامل (به شرطی که تنها به یک مطلب ارتباط داشته باشد) یک نمره منفی در نظر گرفته می‌شود. برای مثال، در ترجمه زیر بخشی از یک جمله حذف شده است: لا يقتصر التشريع الاسلامي على تنظيم الوجه المادي و الظروف الطبيعية للمجتمع شأن المناهج الوضعية و إنما ينفذ الى اعماقه الفكرية و الروحية ... (العسل ۱۴۱۶: ۶۳). قوانین اسلامی [...] تنها به تنظیم جنبه مادی و شرایط طبیعی جامعه بسنده نمی‌کند بلکه به اعماق فکری و معنوی بشر نیز نفوذ می‌کند.. (عرب ۱۳۷۸: ۷۷). (شان المناهج الوضعية= همانند روش‌های پوزیتیویستی یا قراردادی).

در مثال زیر یک جمله به طور کامل در ترجمه حذف شده است: فقد استطاع محمد علي في عشر سنوات أن ينشئ اسطلا و جيشا يفوقان كل ما يحتاجه للضرورات الشرعية لحكومته. و استطاع بتصرفات متمسمة بالطغیان و الاضطهاد ضد شعبه أن ينشئ جيشا في حجم ليس له ما يبرره. فقد جند مائة ألف رجل و حشدهم ضد سيده الخليفة العثماني و رمى جانباً قناع الولاء الذي يتظاهر به... (هیکل ۱۹۹۶: ۴۲). محمد علی پاشا طی ده سال گذشته توانست ناوگان دریایی و ارتشی افزون بر نیازهای ضروری حکومتش به وجود آورد. [...] او صد هزار مرد جنگی را استخدام کرد و آن‌ها را برضد خلیفه عثمانی آماده ساخت. سپس فرمانبرداری و اطاعت از سلطان عثمانی را که قبلاً به آن تظاهر می‌کرد، کنار گذاشت ... (سعیدی ۱۳۷۸: ۴۰).

• فعل عربی

افعال عربی از دو جهت اهمیت می‌یابد: نخست، زمان فعل و دوم، از جهت کارکردهای آن در جمله. البته افعال نیز همانند واژگان نیاز به درک درست و معادل‌یابی صحیح دارند. مانند: و كانت تلك دائما ميزة بريطانيا في فترة صعودها... تحفظ الدرس من أعدائها و تطبق ثقافتهم بأفضل منهم (هیکل ۱۹۹۶: ۳۸). و این پندپذیری صفت متمایز و مشخص بریتانیا در دوران اوج قدرتش بود. .. بریتانیا از دشمنانش درس عبرت می‌گیرد و طرح آن‌ها را بهتر از خودشان پیاده می‌کند (سعیدی ۱۳۷۸: ۳۶). توضیح: ... بریتانیا از دشمنانش درس عبرت می‌گرفت و ... پیاده می‌کرد.

فعل عربی، در مقام مقایسه می‌تواند نقش یا کارکردهای مختلفی در جمله داشته باشد. برای مثال در عبارت زیر، فعل "تأتی" کارکرد اسنادی یا ربطی دارد، بدین معنی که معادل آن یک فعل

اسنادی یاری‌دهنده در زبان فارسی است: حقیقت البلاد فی هذه الظروف انجازات عديدة تأتي في مقدمتها الانجازات العلمية. کشور در این شرایط دستاوردهای زیادی داشته است که دستاوردهای علمی در صدر این دستاوردهای باشد.

• مفهوم جمله

ترجمه نادرست تمام یا بخشی از جمله، حذف مفهومی، عدم توجه به نقش مفهومی جمله در بافت، و تحریف القا‌آمیز مفهوم جمله از عمده‌ترین اشکالاتی است که در این سطح می‌توان به آن اشاره کرد.

(۱) ترجمه نادرست تمام یا بخشی از جمله

ممکن است هنگام ترجمه یک جمله، برداشت نادرستی درباره قسمتی از آن یا تمام آن صورت گیرد و برگردان آن نادرست شود. در مثال زیر مفهومی که از عبارت اصلی برمی‌آید، در ترجمه منعکس نشده است: لقد كان الغموض الوجودي في النزعة العلمانية الاسلامية مغزى عميق على موقفها من الاسلام كنظرة شاملة على العالم (شرابی ۱۹۹۱: ۳۶). از هر دو دیدگاه تئوری و عمل، ابهام بحث دنیاگرایی اسلامی در مورد هستی‌شناسی به سبب ایستارش نسبت به اسلام به منزله یک جهان‌بینی فراگیر اهمیت بسیاری داشت (عالم ۱۳۶۸: ۳۰). توضیح: مفهوم جمله اصلی چنین است: ابهام هستی‌شناختی موجود در گرایش لائیک اسلامی اثر عمیقی در موضع این شاخه در برابر اسلام به عنوان یک دیدگاه فراگیر به جهان داشت.

(۲) حذف مفهوم یا عدم همسنجی مفهوم جمله مبدأ و مقصد

یکی از نکات مهمی باید که در ارزیابی ترجمه در سطح جمله مد نظر قرار گیرد، حذف‌های مفهومی است. این مشکل به شکل‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد؛ گاه این کار با حذف قید به کار رفته در متن اصلی انجام می‌پذیرد، مانند: و المسيحي، المستأصل من جذوره و العامل على هواه، لم يكسب فقط بعدا عن هذه الخلفية التقليدية بل دخل فجأة و ربما على غير توقع، عالما جديدا كلياً من الحياة و التجربة. (شرابی ۱۹۹۱: ۲۹). مسیحیان کنده شده از ریشه و سرگردان نه تنها از پیشینه سنتی‌شان دور شدند، بلکه در زندگی و تجربه اجتماعی کاملاً متفاوتی فروغلیدند (عالم ۱۳۶۸: ۲۳).

توضیح: به طوری که در متن اصلی آمده، فروغلطیدن مسیحیان در زندگی و تجربه کاملاً متفاوت خود، «به یکباره و شاید هم غیرمنتظره» بوده است که در متن ترجمه اشاره‌ای به آن نشده است.

حذف مفهومی گاه با عدم ترجمه یا اشاره به صفت صورت می‌گیرد، مانند: و یشهد عدد المؤلفات النحویة و الشعریة التي نشرها کتاب مسیحیون أبان هذه الفترة علی هذا الاهتمام المسیحی النموذجی (شرابی ۱۹۹۱: ۳۰). انتشار شماری از کتاب‌های صرف و نحو و شعر توسط نویسندگان مسیحی طی این دوره گواه توجه مسیحیان به این موضوع است (عالم ۱۳۶۸: ۲۴).

توضیح: به طوری که نویسنده بیان می‌دارد، توجه مسیحیان «مثال‌زدنی» است، اما در ترجمه اشاره‌ای به این مطلب نشده است. ضمناً به بیان نویسنده تعداد تألیفات این دوره است که به این توجه مثال‌زدنی شهادت می‌دهد، در حالی که در ترجمه تنها «انتشار شماری از تألیفات» ذکر گردیده است.

عدم اشاره به فاعل فعل نیز از جمله موارد حذف مفهومی به شمار می‌رود، مانند: عليك أن تقنع السلطان و حاشيته بأن الحكومة الانجليزية تری أن الوقت اصبح مناسباً لفتح أبواب فلسطين أمام هجرة اليهود إليها (هیکل ۱۹۹۶: ۴۴). لازم است سلطان عثمانی و اطرافیان او را قانع سازی که اکنون فرصت مناسبی برای گشایش درهای مهاجرت یهودیان به فلسطین پیش آمده است (سعیدی ۱۳۷۸: ۴۲).

توضیح: در متن اصلی آمده است که اکنون «از نظر دولت انگلیس» فرصت برای گشایش درهای مهاجرت یهودیان به فلسطین مناسب شده است.

یکی دیگر از مصادیق این مشکل تبدیل یک عبارت به عبارت دیگر است به طوری که از نظر مفهوم همسنگ نباشند، مانند: و من المثیر للتأمل أن عدد اليهود فی فلسطين فی ذلك الوقت كان ۳۲۰۰ نسمة (هیکل ۱۹۹۶: ۴۶). شایان گفتن است که تعداد یهودیان در آن زمان در فلسطین ۳۲۰۰ نفر بود (سعیدی ۱۳۷۸: ۴۴). **توضیح:** مفهوم حاصل از «من المثیر للتأمل»، «نکته تأمل‌برانگیز» است نه «شایان گفتن». این دو تعبیر از نظر مفهومی با هم برابر نیستند.

۳) تحریف القاآمیز مفهوم جمله

همیشه این احتمال وجود دارد که در ترجمه یک جمله تحریف صورت بگیرد. اما گاهی این تحریف با القاء مطلبی غیر از منظور اصلی جمله همراه می‌شود. معمولاً این عمل به صورت عمدی صورت نمی‌پذیرد، بلکه عمدتاً به دلیل درک نادرست جمله اصلی یا عدم دقت در برگردان اتفاق می‌افتد. در مثال زیر تحریف القاآمیز با برداشت نادرست از معنی یک واژه رخ داده است: لکن تأثیر التعليم و الافکار الجديدة کسر هذا الاحتکار تدریجاً و لکن فی صورة حاسمة بحيث أن طبقة جديدة من المثقفين لم یکن العلماء و رجال الدین المسيحيون کذا لکن إلا إحدى فئاتها، برزت فی اواخر القرن التاسع عشر (شرابی ۱۹۹۱: ۱۷). تأثیر آموزش و تأثیر اندیشه‌های نو به کندی اما سنگدلانه این انحصار را فرو پاشید تا پایان سده نوزدهم انبوه روشنفکران جدیدی پدید آمد که در آن علما و نیز روحانیان مسیحی عرب تنها یکی از گروه‌های شرکت کننده بودند... (عالم ۱۳۶۸: ۹). **توضیح:** مفهوم واقعی جمله شکسته شدن انحصار به صورتی تدریجی اما قاطعانه است و قاطعانه بودن لزوماً سنگدلانه بودن را تداعی نمی‌کند. از این رو این تعبیر می‌تواند مطلبی دیگر را در نزد خواننده القا نماید.

• افزودن بی‌مورد

انجام تعدیل در ترجمه، یعنی افزودن یا کاستن به‌هنگام، امری لازم و ضروری است و به روان‌تر شدن آن منجر می‌گردد. اما اگر این تعدیل و مشخصاً افزایش، بی‌مورد انجام پذیرد، مشکلاتی به وجود خواهد آورد که مهمترین آن‌ها تأکیدی شدن جمله، مبهم‌گویی، پیچیده شدن ترجمه و بدفهمی است.

أ. تاکیدی شدن جمله

معمولاً افزودن قیود تأکیدکننده در ترجمه مهمترین عاملی است که سبب می‌شود عبارت ترجمه تأکیدکننده شود. مانند: و من الطبيعي أن الشواغل العامة لا يمكن أن تكون بعيدة عن إلهام الشعر، حتی و إن كان إقتراب هذا الإلهام من السياسة غير مباشر، و بالشعور دون التفكير المقصود والمنظم (هیکل ۱۹۹۶: ۴۲). الهام و شعر شاعر طبیعتاً از مشکلات اجتماعی زمان به دور نیست اما به طور حتم همراهی ادب و سیاست در این اوضاع بیشتر غیرمستقیم، احساسی و بدون تفکری منظم و سازمان یافته بود (سعیدی ۱۳۷۸: ۳۹).

ب. مبهم‌گویی و پیچیده‌سازی فهم جمله

منظور از ابهام در ترجمه، استفاده از کلمات و عبارات‌های خنثی، بیان نامشخص منظور نویسنده و ترجمه تحت‌اللفظی تعابیر، کنایات، مجازها و استعاره‌هاست؛ به نحوی که نتوان پیام جمله را بدرستی دریافت، مانند: فهم بسبب معیشتهم المحفوف بالمخاطر اتجهوا نحو وضع اهمیتة قصوی لقیم البقاء و للفضائل المرتبطة به (شرابی ۱۹۹۱: ۲۹). آنان در زندگی خود که عموماً به شرایط خاصی وابسته بود کوشیدند به ارزش‌های زیستی و بقا و ویژگی‌های همراه آن برتری زیادی قائل شوند (عالم ۱۳۶۸: ۲۲). **توضیح:** شرایط خاص، تعبیری خنثی و نامشخص است. بهتر است از این تعبیر استفاده شود: آن‌ها به دلیل زندگی آکنده از خطرات خود ...

در مثال زیر هم ترجمه کنایه موجود در جمله مبدأ به خوبی صورت نپذیرفته، جمله ابهام دارد: بعد التخلص من استجواب البرلمان «یلتسین» یستخدم دبلوماسیة «کبش فداء» لاجتياز ازمانه الخانفة. بعد از رهایی از استیضاح پارلمان، یلتسین سیاست «گوسفند قربانی» را برای گذر از بحران‌های خفه‌کننده خود به کار می‌گیرد (عزیزی‌پور ۱۳۸۵: ۱۲).

توضیح: منظور از کنایه «کبش فداء» همان چیزی است که در فارسی از آن به «سپر بلا» تعبیر می‌شود. استفاده از تعبیر تحت‌اللفظی «گوسفند قربانی» این ابهام را به وجود آورده که یلتسین امتیازی را واگذار می‌کند یا اینکه با قدم برداشتن در راه خشنودی مخالفانش سعی در راضی کردن آن‌ها دارد.

ت. کاهش روایی ترجمه

گاه با افزودن بی‌مورد از سلاست و روان بودن ترجمه کاسته می‌شود یا حداقل این کار سبب می‌شود سرعت خواندن و درک منظور جمله کاهش یابد. مانند: و ارغم العدیدون من العناصر البارزة من المثقفین فی مصر و الهلال الخصب علی مغادرة بلادهم لأسباب سیاسیة أو إقتصادية (شرابی ۱۹۹۱: ۱۸). بسیاری از اعضای برجسته انبوهه روشنفکران مصر و هلال بارور در این یا آن زمان به دلایل سیاسی یا اقتصادی مجبور به ترک میهن خود شدند (عالم ۱۳۶۸: ۱۰).

• تشخیص ارکان و اجزاء جمله

تشخیص درست ارکان اصلی و اجزاء غیر اصلی جمله از اهمیت زیادی برخوردار است. ممکن است بی‌دقتی به تشخیص نادرست ارکان و اجزاء جمله و فهم غلط جمله منجر شود، مانند: و بالطبع فانه كوزير لخارجية بريطانيا ثم رئيس لوزرائها كان مشغولا بالمسألة الشرقية لكن أوراقه لاتظهر أنه ربط بين المسألتين الا بعد ان قام به نابليون (هیکل ۱۹۹۶: ۳۹). طبعاً در مقام وزیر امور خارجه و پس از آن نخست وزیر بریتانیا به مسأله خاورمیانه مشغول شد ولی طرح‌های خود را آشکار نساخت تا اینکه نابلیون میان مسأله یهودیان و خاورمیانه ارتباط برقرار کرد (سعیدی ۱۳۷۸: ۳۷).

توضیح: در این ترجمه فاعل فعل «لاتظهر» که ضمیر مستتر «هی» بوده و به «اوراق» باز می‌گردد، به عنوان مفعول تلقی شده و مرجع ضمیر در «اوراقه» به عنوان فاعل در نظر گرفته شده است. ترجمه مناسب برای این قسمت می‌تواند چنین باشد: ... مشغول بود ولی اسنادش نشان می‌دهد که وی تنها پس از نابلیون میان مسأله یهودیان و خاورمیانه ارتباط برقرار کرد.

• انحراف از منظور نویسنده

انحراف از منظور نویسنده می‌تواند موارد متعددی را شامل شود. منظور ما از این عنوان، مواردی است که در آن برخلاف نظر نویسنده، بر منظور وی افزوده شده، یا تأکید یا تردید مورد نظر او حذف شده باشد.

(۱) افزودن بر منظور نویسنده

هنگامی که در ترجمه یک جمله، صفت خاصی به یکی از ارکان و اجزاء جمله اضافه شود یا تأکید یا قیدی بر فعل جمله اصلی افزوده گردد، و یا قید موجود در جمله تغییر (و تشدید) یابد، می‌گوییم بر منظور نویسنده افزوده شده است. اضافه شدن صفت مانند: و لم یکن المفكرون المسيحيون فی هذا المضمار خاصة الصحافيين و الناشرين مجرد مراقبين سلبيين (شرابی ۱۹۹۱: ۲۸). از این لحاظ روشنفکران مسیحی بویژه روزنامه‌نویسان و ناشران برجسته، ناظران مطیعی به شمار نمی‌رفتند... (عالم ۱۳۶۸: ۲۳). **توضیح:** در این ترجمه صفت «برجسته» برخلاف منظور نویسنده به روزنامه‌نویسان و ناشران اضافه شده است.

اضافه شدن قید مانند: و عندما جاءت سنة ۱۹۹۴ كانت العجلة قد دارت دورة كاملة (هیكل ۱۹۹۶: ۲۶). و هنگامی که سال ۱۹۹۴ فرا رسید گردونه زمان با شتاب یک دوره کامل زده بود (سعیدی ۱۳۷۸: ۲۳).

تغییر (و تشدید) قید مانند: و لهذا فإن الكلمة الانجليزية - تابو- ذاعت و شاع استعمالها حتى اصبحت وصفا عالميا دالا و مقبولا في عديد من لغات الارض لوصف حالة انسانية مركبة غائرة في اعماق تجربة المجتمعات ... (هیكل ۱۹۹۶: ۲۲). به همین جهت کلمه انگلیسی تابو رواج پیدا کرد و کاربرد آن گسترش یافت تا جایی که به واژه‌ای جهانی تبدیل شد و هم زبان‌های دنیا آن را پذیرفتند ... (سعیدی ۱۳۷۸: ۱۸).

۲) حذف تأکید مورد نظر نویسنده

حذف تأکید مورد نظر نویسنده معمولا با حذف یک قید تأکید کننده از ترجمه اتفاق می‌افتد. مانند: لم يكن الشعر حتى عند «بايرون» بعيدا عن السياسة.. (هیكل ۱۹۹۶: ۴۲). در نظر بايرون شعر با سیاست بی‌ارتباط نبود (سعیدی ۱۳۷۸: ۳۹).

توضیح: به طوری که می‌بینیم نویسنده با ذکر «حتی» تأکید می‌کند که شعر و سیاست از نظر بسیاری بی‌ارتباط نیستند، حتی از نظر فردی مانند بايرون. اما این نکته در ترجمه منعکس نشده است.

۳) حذف تردید مورد نظر نویسنده

بی‌توجهی به کلمات که در بابتی خاص استعمال شده‌اند، یا در نظر نگرفتن برخی کلمات و حروف در ترجمه جملات سبب حذف تردید موجود در عبارت می‌گردد. مانند: إن السلطان و حاشيته قد لا يقتنعان بهذا المنطق الأخلاقي .. (هیكل ۱۹۹۶: ۴۴). سلطان و اطرافیان او طبعاً با این منطق اخلاقی قانع نخواهند شد... (سعیدی ۱۳۷۸: ۴۲). **توضیح:** سلطان و اطرافیان او ممکن است با این منطق اخلاقی قانع نشوند....

ولعل ذلك هو الذي اكسب هذه المقدسات المحرمات سلطانها الغلاب .. (هیكل

۱۹۹۶: ۲۲). این امر به مقدسات (تابوها) قدرت و تسلط و نفوذ خاصی بخشیده است.. (سعیدی ۱۳۷۸: ۱۸).

توضیح: «لعل» ترجمه نشده و تردید مورد نظر نویسنده از میان رفته است. ضمناً معادل‌یابی «سلطانها الغلاب» نیز درست انجام نشده است. در برابر این ترکیب باید «تسلط کامل یا بی‌چون و چرا» قرار گیرد.

• خواندن درست

خواندن نادرست فعل‌ها و کلمات کلیدی درون جمله می‌تواند ترجمه را نادرست گرداند. برای مثال فعلی مانند «أعرض» می‌تواند هم مفرد مذکر غایب و هم متکلم وحده باشد.

۶. نتیجه‌گیری

با استفاده از فاکتورهای ذکرشده در سه سطح واژگان، ترکیب‌ها و جملات، و ضمن در نظر داشتن عوامل هدایتگر که در هر سه سطح یادشده اثرگذار هستند، می‌توان به ارزیابی اثر ترجمه در قالب پیشنهادی این مقاله پرداخت و با استفاده از فرمول‌های پیشنهادی آن امکان تعیین سطح کیفی ترجمه به صورت نسبی در قالب اعداد فراهم می‌آید. در نتیجه می‌توان از قضاوت‌های متأثر از سلیقه و نظرات شخصی، فاصله گرفت و چهارچوب مشخصی برای ارزیابی ترجمه تبیین نمود. یکی از فواید عملی این کار، فراهم شدن امکان اظهار نظر درباره آثار ترجمه در چهارچوبی نسبتاً علمی، پیش از چاپ آن‌هاست.

منابع

الف) فارسی:

- آذرنوش؛ آذرتاش. (۱۳۸۵). چالش میان فارسی و عربی، سده‌های نخست. تهران: نشر نی.
- الدیداوی؛ محمد. (۲۰۰۰). الترجمة و التواصل: دراسات تحليلية عملية لإشكالية الاصطلاح و دو المترجم. الطبعة الاولى، دار البيضاء المغرب: المركز الثقافي العربي.
- العسل؛ ابراهیم (۱۴۱۶). التنمية في الإسلام، مفاهيم، مناهج و تطبيقات، طهران، المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.
- خزاعی فر؛ علی. (۱۳۷۳). واحد ترجمه در. فصلنامه علمی - فرهنگی مترجم، ۱۵؛ ص ۲۰.

سعیدی؛ عبدالصاحب. (۱۳۷۸). گفتگوهای سری میان اعراب و اسرائیل (اسطوره، امپراتوری و دولت یهود، تهران: همشهری.

شاتلورت؛ مارک و مویرا کاوی. (۱۳۸۵). فرهنگ توصیفی اصطلاحات مطالعات ترجمه، ترجمه: فرزانه فرحزاد، غلامرضا تجویدی و مزدک بلوری؛ چاپ اول، تهران: انتشارات یلدا قلم. شرایب؛ هشام بشر. (۱۹۹۱). *المثقفون العرب و الغرب: عصر النهضة ۱۹۱۴-۱۸۷۷*، بیروت، دارالنهج. شمس آبادی؛ حسین. (۱۳۸۰). *تئوری ترجمه و ترجمه کاربردی از عربی به فارسی*. تهران: نشر چاپار.

عالم؛ عبدالرحمان. (۱۳۶۸). *روشنفکران عرب و غرب؛ سال‌های تکوین ۱۹۱۴-۱۸۷۷*. تهران: وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

عرب؛ عباس. (۱۳۷۸). *توسعه در اسلام: مفاهیم، روش‌ها و چند نمونه تطبیقی*. ترجمه عباس عرب؛ مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به‌نشر.

عزیزی‌پور؛ محمدرضا. (۱۳۸۵). *المصطلحات المتداولة في الصحافة العربية*. تهران: سمت. عنانی؛ محمد. (۲۰۰۴). *فن الترجمة. الطبعة الثانية لونجمان، مكتبة لبنان ناشرون، الشركة المصرية العالمية للنشر*. فاتحی‌نژاد؛ عنایت‌الله و سید بابک فرزانه. (۱۳۸۰). *درآمدی بر مبانی ترجمه: فارسی به عربی - عربی به فارسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه.

فرحزاد؛ فرزانه. (۱۳۸۲). *چهارچوبی نظری برای نقد ترجمه در مطالعات ترجمه، سال اول؛ ش ۳*، ص ۳۰.

مایر؛ کارول. (۱۳۷۸). *بررسی و نقد ترجمه. ترجمه وفا نقایات؛ فصلنامه مترجم؛ ۳۱، ص ۸۰*. مشیری؛ مهشید. (۱۳۷۳). *ده مقاله درباره زبان، فرهنگ و ترجمه*. تهران: نشر البرز. معروف؛ یحیی. (۱۳۸۰). *فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی*. تهران: سمت.

ناظمیان؛ رضا. (۱۳۸۶). *روش‌هایی در ترجمه*. چاپ سوم، تهران: سمت.

نیازی؛ شهریار و حافظ نصیری. (۱۳۸۷). تأثیر ساختارهای انگلیسی در ترجمه از عربی به فارسی در. *مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، دوره ۵۹؛ ۱۸۶؛ صص ۶۵-۹۶.

نیومارک؛ پیتر. (۱۳۸۶). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. چاپ دوم، تهران: انتشارات رهنما.

هاشمی؛ سیدمحمد رضا (۱۳۷۶). فن یا تاریخ ترجمه در. *فصلنامه مترجم*، ۲۵؛ ص ۸۱
هیكل؛ محمدحسین. (۱۹۹۶). *المفاوضات السریة بین العرب و اسرائیل. المجلد الاول: الاسطورة و الامبراطورية و الدولة اليهودية*. قاهره، دار الشروق.

(ب) لاتین:

Garces; Carmen Valero. (1994). *A methodological Proposal for the assesment of translated literary works*. in *Babel*, 40: ۲۷۰-۲۷۷

Mehdibarzy; Fateme. (2007). *Translation Scholars*, Tehran: Daneshgahian.

Newmark; peter. (1984). *Approaches to translation*, Oxford: pergamon press.

